

نقش مسلمانان در پیدایش مدارس

تا پایان قرن پنجم هجری

سید حسین حر

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که در دین اسلام همواره از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار بوده است، علم و تعلیم و تربیت است. با بررسی کلی روی مکاتب گوناگون درباره توجه به علم و دانش، بر ما روشن می‌گردد که اسلام بیشترین تأکید را نسبت به علم و دانش داده و جایگاه رفیعی را برای تعلیم و تربیت قائل شده است. نخستین آیاتی که در سوره علق بر وجود مقدس رسول الله (ص) نازل شده، سخن از علم و دانش و توجه به این مهم را در برداشت. مسئله بسیار جالب این جا است که پیامبر اکرم (ص) «امی» و درس نخوانده بود و محیط حجاز را سراسر جهل و نادانی و خرافات فرا گرفته بود. در این آیات تأکید بر مسئله علم و قلم شده است که بلافاصله بعد از نعمت بزرگ خلقت و آفرینش در این آیات ذکر گردیده است.

با توجه به آیه ۲ سوره جمعه که خداوند می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم وبعلمهم الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» به این مطلب پی می‌بریم که تعلیم و تربیت یکی از اهداف انبیاء بوده است و انبیا الهی به ویژه وجود نازنین رسول الله (ص) تلاش‌ها و سختی‌های زیادی را متحمل گردیدند تا بشر را از جهل و نادانی و خرافات درآوردند و زنگارهای شرک و کفر را که همه آنها نشأت گرفته از جهل می‌باشد، از وجود انسان‌ها پاک کنند و از آنها افرادی مؤمن بسازند.

آموزش و تعلیم و تربیت با دعوت پیامبر (ص) نخستین معلم

و مربی مسلمانان از مسجد که در واقع اولین پایگاه تعلیمات اسلامی بود آغاز گردید. بعد از وجود مقدس پیامبر ائمه اطهار (ع) در راستای تحقق آرمانهای الهی پیامبر (ص) که یکی از آنها تعلیم و تربیت است، تلاش‌های طاقت فرسای را به جان خریدند تا انسان‌ها را هدایت نمایند.

توجه فوق‌العاده آیات الهی به علم و عالم و تعلیم و تربیت و تفکر و توجه به قلم و نوشتن، زمینه توجه مسلمانان را نسبت به ایجاد مدارس، کتابخانه‌ها و توجه به علوم و صنایع و انتشار آن فراهم نمود و آنان را برای رسیدن به این امر مهم تشویق کرد.

در این مقاله درصدد هستیم نقش مسلمانان را در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنجم هجری بررسی نماییم؛ به این امید که گامی در جهت اعتلای تعلیم و تربیت و شکوفایی آن برداشته باشیم.

روشن‌های تعلیمی و تربیتی پیامبر اسلام (ص)

رسول خدا (ص) تعلیمات خود را بر اساس اوضاع اجتماعی و با روش‌های خاصی انجام می‌داد. نخستین جلسات تعلیمی آن حضرت، با تعلیم قرآن شروع شد. جلسات تعلیم قرآن شکل‌های مختلفی داشت: گاهی جلسه دو نفره و زمانی جلسات گسترده‌تری تشکیل می‌یافت. محل تعلیم گاهی به صورت آشکار و گاهی بسیار مخفی بود. هدف و محتوای تربیتی پیامبر (ص) این بود که برای پیروانش خوبی‌های آخرت و دنیا را باز گوید. بیشتر عمر پیامبر به امر پی ریزی و زمینه‌سازی

گذشت و سبب شد که بعدها زمینه پیدایش یک فرهنگ با عظمت در جامعه بشری به وجود آید.^۱

برای اولین بار مسجد مدینه تأسیس شد و مرکز آموزش قرار گرفت. پیامبر معارفی ارائه کرد که در اندک زمانی توانست از ملتی عقب مانده، جامعه‌ای زنده بسازد و دوم این که مسئولیت‌های انسان را در برابر خدا و خالق معین کند.

تعلیمات او گاهی به صورت احکام حقوقی و گاهی به صورت مباحث اخلاقی مطرح شد. منبع محتوای تربیتی او (قرآن) رفتار و عقل کامل وی نیز روش مناسبی برای اشاعه دین بود.^۲ مسجد النبی نخستین آموزشگاه علوم از زمان پیامبر (ص) بود تا جایی که در زمان امام صادق (ع) تعداد روایان موقوف به چهار هزار نفر رسید.

پیامبر (ص) که به روحیات و اوضاع جامعه خود کاملاً واقف داشت و جوانب و جزئیات مسائل را می‌سنجید، از روش‌های متعددی برای تعلیم و تبلیغ و ارشاد استفاده می‌کرد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱. تلاوت آیات قرآنی: نخستین و ساده‌ترین روش که پیامبر (ص) دنبال کرد، همان قرائت قرآن و بیان آن به صورت ساده بود.

آیات قرآنی که توسط ایشان قرائت می‌شد، شنونده را سخت تحت تأثیر قرار می‌داد. در خود قرآن سفارش‌های اکییدی بر خواندن آیات شده که دلیل آن همان تأثیر بسزایی است که در خواننده و شنونده بر جای می‌گذارد. درباره اهمیت تلاوت قرآن از امام صادق (ع) نقل شده: «خانه‌ای که در آن تلاوت قرآن شود و یاد خدا گردد، برکتش افزون خواهد شد؛ فرشتگان در آن حضور می‌یابند و شیاطین از آن فرار می‌کنند و برای اهل آسمان‌ها می‌درخشد؛ همان گونه که ستاره برای اهل زمین می‌درخشد.»^۳

۲. خطابه و موعظه: گرچه تمام حرکات و رفتار پیامبر (ص) تعلیم و تربیت بود، اما پیامبر اسلام به مسئله تبلیغ که یکی از شیوه‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی است، توجهی خاص داشتند. روش تبلیغی پیامبر (ص) معمولاً به صورت خطابه و موعظه‌هایی صورت می‌گرفت که متناسب با شرایط خاص شنوندگان ایراد می‌شدند.^۴

۳. اعزام معلم و مبلغ به اطراف: در اعزام مبلغ علاوه بر تعلیم و تربیت، مسئله قضاوت و رسیدگی به سایر کارهای مردم هم توصیه و مدنظر قرار می‌گرفت.^۵

۴. ارسال نامه و مکاتبه: پس از صلح حدیبیه، پیامبر (ص) فرصتی پیدا کردند تا حکام عرب و پادشاهان کشورهای بزرگ را به سوی اسلام دعوت کنند. تعداد نامه‌های پیامبر (ص) را مورخین به اختلاف نوشته‌اند: یعقوبی چهارده نامه، مسعودی هفت نامه و طبری شش نامه ذکر کردند.^۶

۵. روش عملی یا اسوه‌ای: مهم‌ترین روشی که پیامبر (ص) همواره با آن سر و کار داشت، روش عملی بود. پیامبر (ص) خود به آنچه می‌گفت، عمل می‌کرد.

همیشه وجود الگوها و سرمشق‌هایی بزرگ در زندگی انسان و سیله مؤثری برای تربیت آنها بوده است. به همین دلیل پیامبر و پیشوایان معصوم مهم‌ترین شاخه هدایت را با عمل خود نشان می‌دادند و لذا هنگامی که سخن از سنت به میان می‌آید، گفته می‌شود سنت عبارت است از «قول» و «فعل» و «تقریر» معصوم؛ یعنی پیشوایان معصوم سخن و عمل و سکوتشان همه حجت و راهنماست و نیز به همین دلیل است که عصمت در تمام پیامبران و امامان شرط است تا الگوهایی در همه زمینه‌ها باشند.^۷

نقش امامان معصوم در تعلیم و تربیت

بعد از رحلت جانشین پیامبر (ص) ائمه اطهار (ع) دنباله‌رو کارها و خدمات ارزنده ایشان بودند؛ به نحوی که اگر تلاش‌ها و مرارت‌هایی که این بزرگواران در راه احیای اسلام و تعلیم و تربیت مسلمین متحمل شدند وجود نمی‌داشت، نهال نورسیده اسلام در معرض آسیب‌های گوناگون قرار می‌گرفت.

امامان (ع) در زمینه‌های مختلف نقش خودشان را ایفا نمودند. از یک طرف با تعلیم و تبیین اسلام و هم‌چنین با تربیت شاگردانی ممتاز، بسیار مؤثر واقع شدند، و از طرف دیگر خودشان نمونه و اسوه‌ای بودند که به تمام تعالیم و دستورات الهی عمل می‌نمودند و در واقع به عنوان سنبل تقوا و معرفت محسوب می‌شدند. هم‌چنین تلاش می‌کردند که مبارزه با ظلم و ستم و عدم مشروعیست دستگاه خلافت را به مردم تفهیم کنند خودشان را به عنوان امام مسلمین معرفی نمایند.

مردم، امام علی (ع) را واسطه خود در حل مسائشان قرار می‌دادند. اهل سنت از عایشه نقل کرده‌اند که گفت: «از زنان، فاطمه (س) و از مردان، علی (ع) محبوب‌ترین اشخاص نزد پیامبر (ص) بودند.» رسول خدا (ص) در یکی از درست‌ترین احادیث، یعنی حدیث منزلت، نسبت ایشان را با خود هم‌چون نسبت هارون با موسی دانست. از امام علی (ع) پرسیدند که

۱. دکتر علی محمد الماسی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۲۲۱.
۲. همان.
۳. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۵۷.
۴. دکتر منوچهر وکیلان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۵۰.
۵. دکتر الماسی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۲۲۱.
۶. دکتر اصغر منتظر القائم، تاریخ صدر اسلام، ص ۱۹۷.
۷. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۴.



چگونه است که شما بیش از دیگر صحابه حدیث نقل می کنید؟ آن حضرت فرمود: برای این که زمانی که من از آن حضرت سؤال می کردم، به من علم می آموخت و زمانی که من ساکت می شدم آن حضرت خود آغاز سخن می کرد و می فرمود. هر چه از رسول خدا (ص) شنیدم آن را حفظ کردم و هیچگاه چیزی را فراموش نکردم.^۸

روش امام علی (ع) در همه حالت برای مردم تربیت آموز بود. اساس حکومت او بر تقوا و فداکاری استوار بود. معیار حکومت او قانون اسلام بود. او غیر از اعمال و کردارش روش تربیتی دیگری نیز داشت که خطبه ها و سخنان فراوان وی است. کلمات او دارای چند امتیاز است: یکی فصاحت و بلاغت بود و دیگر چند جنبه بودن آنها است. در برنامه های تربیتی حضرت علی (ع) همه گونه مباحث مطرح است. فرهنگ اسلامی بر مبنای افکار پیامبر و برخی از یاران پیامبر (ص) دنبال شد تا در زمان امام صادق (ع) برنامه ها به اوج خود رسید و مدرسه و مکتب به صورتی منظم شکل گرفت. چون هدف این برنامه آشنایی مردم با معارف اسلامی بود و تدریس آنها را خود عهده دار می شد. طبق مدارک تاریخی، علی (ع) واضع ادبیات حکیمانه و دستور زبان عرب است. او علم قرائت را به دیگران یاد می داد.

در این برنامه به دنبال طرح مباحث صرف و نحو به علم و تفسیر، فقه، حقوق قضایی، مدنی، سیاسی اهتمام خاص داشت و اولین کسی که در فلسفه الهی غور کرده، ایشان بود. حضرت علی (ع) در روش های تربیتی خود همچنان از پیامبر (ص) پیروی می کرد و سازمان های آموزشی او نیز همان مسجدها بود.^۹

روش سازنده اهل بیت و ائمه در نحو هدایت افکار و توده ها، نقش کاملاً حیاتی داشت. امام حسن (ع) در این راه ناملايمات بسیاری کشیدند. امام حسین (ع) علاوه بر داشتن مجالس درس و بحث، امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح امت جدشان شروع کردند. دعاهاى امام سجاد (ع) و امامان، ابعادی دارد: ۱. بعد سیاسی، ۲. این دعاها نحوه تفکر و اساس تشکیل دهنده شخصیت فرد مؤمن را می نمایاند؛ ۳. بعد تعلیماتی و تبلیغاتی؛ ۴. بعد روان شناختی. دانش امام باقر (ع) از سرچشمه وحی بود. او در زمان بنی عباس فرصت پیدا کرد و شاگردانی تربیت نمود و امام جعفر صادق (ع) میراث علمی پدرش را به عظمت بیشتری رساند که تعداد شاگردانش به چهار هزار نفر رسیدند. در مکتب امام صادق (ع) در همه رشته ها که هر کدام به نحوی در رشد فردی و اجتماعی تأثیر داشت، تتبع و بحث می شد و هر یک از شاگردان در رشته ای تخصص داشت. امام صادق (ع) مسائل علمی و تجربی را نیز

مطرح می کرد و علم طب را اولین بار در عربستان تدریس کرد. بنیاد فرهنگی او یک آکادمی شد که در آن به طور آزاد مسائل علمی و به خصوص ایدئولوژی مورد بحث قرار می گرفت. امام صادق (ع) معتقد است که دو چیز بشر را از علم دور کرد:

۱. نداشتن معلم و مربی، که وی را تشویق به فراگرفتن علوم کند.

۲. تنبلی انسان، چون فراگرفتن علم زحمت دارد.^{۱۰}

در مکتب امام صادق (ع) در تمام رشته های علوم که هر کدام به نحوی در رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه مؤثر بودند، تتبع و بحث می کردند و امام برای هر یک از شاگردان خود وظیفه ای خاص تعیین کرده بودند و به اصطلاح هر یک در رشته ای خاص تخصص داشتند. به علاوه امام صادق (ع) مسائل علمی و تجربی را نیز مطرح می کردند و بنابر نقل های مختلف از علمای ماضی، جابر بن حیان یکی از شاگردان امام بوده که در علم کیمیا مهارت داشته است.

مجالس درس امام صادق بیشتر در مسجد برگزار می گردید و شاگردان آن حضرت هم طبق سنت اجدادشان اغلب در مسجد حلقه های درس تشکیل می دادند. آنان نیز پس از یادگیری و کسب تجربه های لازم، می توانستند حلقه های کوچک درسی جداگانه ای تشکیل و به تعلیم دیگران پردازند.^{۱۱}

روش های امام در تدریس عبارت بودند از: الف. احتیاج و مناظره. ب. روش استدلالی و تحلیلی. وی بیشتر تکیه بر اندیشه و تفکر معلم داشت. روش وادار کردن متعلم به سؤال کردن، هنوز در حوزه علمیه مرسوم است. هدف تعلیم و تربیت در زمان امام صادق (ع) مانع نفوذ افکار ویرانگر و پندارهای الحادی و کفر بود.^{۱۲}

پس از امام صادق (ع) امامان دیگر راه و رسم ایشان و دیگر اجداد خود را در پیش گرفتند و هر یک به مقتضای زمان و با توجه به محدودیت ها و مسائلی که خاص زمان آنها بود، خط ولایت

۸. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، ص ۵۰.

۹. دکتر الماسی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۲۲۲.

۱۰. همان، ص ۲۲۳.

۱۱. دکتر وکیلیان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۵۲.

۱۲. دکتر الماسی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۲۲۴.

حقوق دیگران را پایمال می‌کرد، در این مکان مقدس گرد می‌آمدند و به دادخواهی خودشان می‌رسیدند.

به نظر می‌رسید یکی از اهداف نبی مکرم اسلام (ص) درباره مسجد این بود که به مردم تفهیم نمایند که علم و ایمان با یکدیگر توأم است؛ یعنی هر کجا مسجدی بنا شد، آنجا کانون تعلیم و تربیت و علم و دانش نیز می‌باشد. از طرف دیگر هنگامی که مردم برای امور قضایی یا تصمیمات جنگی یا عقد قرارداد صلح و ... در آنجا حضور می‌یافتند، نشان‌دهنده این بود که دین مبین اسلام معنویت و مادیت را توأم با یکدیگر قرار داده است و به هر دو برای رسیدن انسان‌ها به سعادت توجه کرده است.

در اثر مرور زمان بر امکانات مساجد افزوده شد؛ از جمله احداث شبستان‌ها در مساجد، گذشته از اینکه محل مناسبی برای مراسم عبادی بود، برای مسائل آموزشی و تعلیم و تربیت نیز از اهمیت بسیاری برخوردار بود. معمولاً اساتید در هر یک از شبستان‌ها کلاس درس تشکیل می‌دادند و مؤمنین و طلاب به صورت حلقه وار می‌نشستند و از محضر استاد استفاده می‌کردند.

فعالیت‌های آغاز حیات: ۱. اقامه نماز، ۲. استماع سخنان پیامبر (ص) در باب آیاتی که وحی می‌شد، ۳. تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، ۴. اعلان جنگ و جهاد و عقد صلح، ۵. تقسیم غنایم جنگی، ۶. ارسال نامه‌ها، ۷. قرائت قرآن.

کهن‌ترین دانشگاه اسلامی مسجدالنبی بوده است که با هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه تأسیس شد. بهترین شیوه‌های تبلیغ در امر سوادآموزی را پیامبر (ص) در آغاز هجرت به مسلمانان آموزش داد. آن حضرت فرمان داد که اسیران باسواد جنگ بدر آنان که توانایی پرداخت حدقل سربها را ندارند، به شرطی آزاد شوند که هر یک ده تن از پسران انصار را خوانند و نوشتن بیاموزند.^{۱۴} تاروژگار خلیفه دوم که مرزهای اسلامی از حدود جزیره العرب فراتر نرفته بود، مراکز فعال تعلیمات اسلامی عبارت بودند از: ۱. مسجدالنبی در مدینه، ۲. مسجدالحرام در مکه، ۳. خانه اصحاب.

از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمین مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش و جمع کثیری به آیین اسلام گراییدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات و تعالیم اسلام توسط اصحاب پیامبر یا تابعین ایشان در مساجد نوبنیاد آغاز شد. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره،

۱۳. دکتر وکیلان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۵۳.

۱۴. استاد عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نوراله کسائی، ص ۴۵.

را از طریق تعلیم و تربیت ادامه دادند. پس از ایشان فقهای اسلام این مأموریت را دنبال کردند. ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی اولین مرجعی است که در جهان تشیع، رهبری دینی و هدایت و استمرار خط ولایت را به عهده می‌گیرد. پس از وی اشخاصی چون محمد بن علی ابن بابویه، محمد بن حسن طوسی و خواجه نصیرالدین و ملا محسن فیض و ملا محمد باقر مجلسی راه را ادامه می‌دهند، که تا زمان حاضر ادامه دارد و امروزه در مراکز علمی، دینی در سراسر جهان از جمله نجف اشرف و قم، تعلیم و تربیت اسلامی، تداوم می‌یابد.^{۱۳}

مساجد و فعالیت‌های آغازین

هنگامی که پیامبر (ص) به یثرب آمدند، به میمنت ورود ایشان آن شهر را مدینه‌النبی خواندند. پیامبر (ص) در صدد برآمدند قبل از انجام هر کاری، یک مرکز عبادی تحت عنوان مسجد ایجاد نمایند تا گذشته از اینکه در خدمت عبودیت و بندگی خدا قرار می‌گیرد، به عنوان یک محل تعلیم و تربیت از یک سو و هم چنین کانون سیاسی و قضایی از سوی دیگر درآید.

ساختن مسجد باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی و انسجام بیشتر در میان جامعه اسلامی گردید؛ به طوری که مسلمین برای اقامه نمازهای پنجگانه در مسجد حضور پیدا می‌کردند و باعث اخوت و برادری و نزدیک شدن قلوب آنها به یکدیگر می‌گردید و می‌توانستند ضمن به جا آوردن فریضه مقدس نماز، معارف و احکام اسلامی را از زبان پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) بشنوند و عمل نمایند.

به طور کلی مساجد تا آغاز قرن چهارم هجری، محفلی بودند برای تعلیم و تربیت، خواندن و نوشتن و در غیر اوقات نماز، حکم یک مکان آموزشی و علمی را ایفا می‌نمودند؛ به طوری که بسیاری از علما و دانشمندان، فارغ‌التحصیلان حلقه‌های تدریس مساجد بودند.

برخی از اوقات سخن‌سرایان و شاعران در مسجد حضور می‌یافتند و اشعار خودشان را که در دفاع از حریم اسلام و یا مدح شخصیت مقدس پیامبر (ص) بود، می‌سرودند.

مسجد در واقع یک محکمه دادرسی و قضایی نیز بود. در پاره‌ای از اوقات اشخاص که مسئله یا مشکلی با یکدیگر پیدا می‌کردند، یا فردی به دیگری ظلم و ستمی روا می‌داشت، یا

مداخن، بنیاد گردید. به دستور خلیفه دوم برخی صحابه پیامبر (ص) مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند.^{۱۵}

در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت، در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد و علاوه بر مسائل دینی به مسائل علمی نیز می پرداختند. بسیاری از صحابه پیامبر (ص) و تابعین ایشان و نیز پیشوایان مذاهب در این دانشگاه های عمومی به تعلیم مبانی دین و نشر مذهب معتقد خود می پرداختند. مراکز مشهور آموزش اسلامی این دوره عبارت بودند از: ۱. مسجدالنبی در مدینه، ۲. مسجدالحرام در مکه، ۳. جامع بصره، ۴. جامع کوفه، ۵. جامع اصفهان، ۶. جامع عمرو در فسطاط مصر، ۷. مسجدالاقصی و قبة الصخره در بیت المقدس، ۸. جامع اموی دمشق، ۹. جامع زیتونه در تونس، ۱۰. جامع قیروان در مراکش. ۱۶ همزمان با نشر اسلام در خارج از جزیره العرب، گروه عظیمی از ایرانیان آزموده و برخوردار از فرهنگ و ادب، از روی اخلاص به آیین اسلام گرویدند.

علاقه ایرانیان به دین مقدس اسلام از همان آغاز ظهور این دین مقدس شروع شد. قبل از اینکه شریعت مقدس اسلام توسط مجاهدین مسلمان به این سرزمین بیاید، ایرانیان مقیم یمن به آیین اسلام گرویدند و با میل و رغبت به احکام قرآن تسلیم شدند و از جان و دل در ترویج شریعت اسلام کوشش نمودند و حتی در راه اسلام و مبارزه با معاندین نبی اکرم جان سپردند.^{۱۷} از این زمان، کوشش و زحمات ایرانیان مسلمان در خدمت به فرهنگ و معارف اسلامی قرار رفت و گامی جدید در تدوین و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی بود.

مکتبخانه ها

در ادوار قبل از اسلام آموزش و پرورش و مکتبخانه به طبقات ممتاز و گروه های نخبه اختصاص داشته، اقشار مردم از آموختن محروم بودند. بعد از رسوخ اسلام تدریجاً در تعدادی از مساجد شهر مکتبخانه برپا شد؛ ولی تنها در مسجد دایر نگردید. بعضی از مکاتب در خانه و بعضی در دکان ها به وجود آمد. هنگامی که اواسط دوره قاجاریه شروع به تأسیس مدارس کردند، معمولاً در بنای مدرسه محلی نیز به مکتبخانه اختصاص یافت تا داوطلبان را برای ورود به مدرسه آماده کنند.

در ابتدا هدف آموزش مکتبخانه منحصر به تعلیم الفبا و کلام و قرآن مجید بود. ولی این هدف رفته رفته دستخوش تغییراتی شد. شرط اول ورود کودک به مکتب این بود که وی از عهده شست و شو و طهارت خود برآید.^{۱۸}

مکتب را به عربی «کُتَّاب» می خوانند و در صدر اسلام دو نوع مکتبخانه وجود داشت:

۱. مکتبخانه هایی که در آن قرآن و مسائل دینی آموزش داده می شد. ۲. مکتبخانه هایی که در آن خواندن و نوشتن تعلیم می گردید. در مکتبخانه های نوع اول، محتوای اساسی و اصلی را همان قرآن تشکیل می داد. در مکتبخانه های نوع دوم، برای نوشتن از اشعار استفاده می کردند. زیرا عقیده بر این بود که با به کارگیری اشعار در نوشتن، احترام کتاب خدا نگاه داشته می شود. در اکثر کشورهای اسلامی معلم قرآن با معلم خواندن و نوشتن تفاوت داشت؛ به طوری که پس از خواندن و کسب مهارت، نوبت به نوشتن می رسید.^{۱۹}

پیش از تأسیس مدرسه در جهان اسلام دو واژه معلم و مؤدب از جمله مصطلحاتی بود که به معنای مدرس در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی به چشم می خورد. چنان که از منابع قدیم مربوط به آغاز عصر عباسیان برمی آید، معلمین غالباً در حکم آموزگاران شاغل در مراکز ابتدایی بوده اند که در مکتبخانه ها به تعلیم نویاوانگان در بین طبقه عام مردم اشتغال داشته و صاحبان این حرف به معلم الصبیان شهرت داشته اند. برخی از بزرگان سیاسی و ادبی در آغاز کار معلم اطفال بوده اند که حجاج بن یوسف ثقفی حکمران جبار عهد اموی و عبدالحمید کاتب دبیر توانایی آن عصر، از آن جمله اند.^{۲۰}

مؤدب که نسبت به معلم از پایگاه بالاتری برخوردار بود، به تعلیم فرزندان خلفا و اشراف و امراء اشتغال داشت. برای مراکز آموزشی نیز کُتَّاب یعنی مکتبخانه مخصوص تعلیم خواندن و نوشتن عربی و احکام دین بود و این آموزش به وسیله معلمین انجام می گرفت و نوآموزان از طبقات بالا پس از طی این مرحله ابتدایی، زیر نظر مؤدب به فراگیری فنون دبیری و بلاغت و آیین

۱۵. همان، ص ۵.

۱۶. همان، ص ۵-۶.

۱۷. استاد شهید مطهری، خدمات مقابل اسلام و ایران، ص ۸۰.

۱۸. (مجموعه مقالات)، سیر تحول آموزش و پرورش بانگامی ویژه به اصفهان، چاپ اول، ص ۱۴۶.

۱۹. دکتر وکیلیان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۶۹.

۲۰. غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص ۹-۱۰.

درس می‌سازد. تنبیه شاگردان در مکتب رایج و دلیل آن را طبیعت سرکش کودک می‌دانستند و برای رهایی از شیطنت او، تنبیه تجویز می‌شده است. از سوی دیگر عده‌ای، افراط در تنبیه و شکنجه کودکان را جایز نمی‌شمردند و به جای آن تشویق و ترغیب را توصیه می‌کردند.^{۲۴}

هدف مکتب‌خانه‌ها در وهله اول، آشنا کردن کودکان با خواندن و نوشتن و مخصوصاً تعلیم دادن اصول دین بوده و در وهله دوم احترام گذاشتن به معلم و قدر دانستن علم و در وهله سوم تشویق کودکان با استعداد برای دانش‌اندوزی بیشتر بوده است.

بیت الحکمه

نخستین مرکز علمی و فرهنگی در این عصر به نام بیت الحکمه در بغداد تأسیس شد. این مرکز محل مترجمان و علما و دارای کتابخانه و احتمالاً رصدخانه‌ای بود و با هزینه دولت اداره می‌شد. زمان تأسیس این مرکز به درستی مشخص نیست و عده‌ای بنیان آن را در سال ۲۱۰ یا ۲۱۱ هجری می‌دانند؛ عده‌ای هم ایجاد آن را در عهد هارون دانسته‌اند. به هر صورت، این مرکز در زمان مأمون به علت رواج روحیه علمی و عقلی از رونق فراوان برخوردار بود و گویی در آن هنگام سهل بن هارون خازن آنجا بود.^{۲۵}

مأمون، به لحاظ علم و حکمت، عضو برجسته بنی عباس بود که از همه فنون و دانش‌ها بهره‌ای به سزا داشت. مأمون کتاب اقلیدس را از رومیان به دست آورد و دستور به شرح و ترجمه آن داد.^{۲۶}

بیت الحکمه مأمون که نوعی آکادمی و دارالترجمه به شمار می‌آمد، با کتابخانه مفصل و رصدخانه‌ای که داشت در نقل علوم یونانی نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا کرد. اعضای این آکادمی بیشتر سریانی‌ها بودند که عربی و یونانی می‌دانستند. حنین بن اسحاق که گویند در بیزنس لغت یونانی آموخته بود، در رأس این بیت الحکمه اهتمام بسیار در کار نقل و ترجمه داشت. پسرش اسحاق و خویشانش نیز او را در این کاریاری کردند و او به کمک آنها هم آثار ارسطو را به عربی نقل کرد، هم کتب جالینوس

مصاحبت می‌پرداختند. این قبیل آموزشگاه‌ها غالباً در کنار کاخ‌های خلفا و سلاطین تأسیس می‌شد و پسران و دختران به صورت جداگانه در آن به تعلیم اشتغال داشتند.^{۲۱}

اگر مکتبدار [معلم] مکتبش در مسجد یا مدرسه دایر می‌گردید، از درآمد اوقاف مربوطه حقوق خود را دریافت می‌کرد و به ازای آن یتیمان و مستمندان را به رایگان تعلیم می‌داد. سایر مکتبداران از هر کودک ماهیانه مبلغی جزئی دریافت می‌کردند و کسانی که در پرداخت این مبلغ ناتوان بودند، در انجام کارهای خصوصی، مکتبدار را کمک می‌رساندند.^{۲۲}

معمولاً در پایان هر مرحله از تعلیم مانند ختم سوره «فاتحة الكتاب» یا اتمام قرائت قرآن، دریافت هدیه‌ای از اولیای متعلمان انتظار می‌رفت. با این همه در بیشتر موارد معیشت آنان تأمین نمی‌شد و ناچار بودند علاوه بر تعلیم اطفال به امور دیگر از قبیل استنساخ کتب، نامه‌نویسی، تحریرات شرعی، دعانویسی و مانند آن بپردازند. موادی که در مکتبخانه‌ها تدریس می‌شد، علاوه بر قرآن و احادیث، عبارت بودند از: گلستان سعدی، دیوان حافظ، صد کلمه از حضرت امیر(ع)، مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی، پندنامه عطار، موش و گربه عبید زاکانی، حلیة المتقین ملا محمد باقر مجلسی، حسین کرد شبستری.^{۲۳}

انتخاب کتاب یا منبع درسی اکثر بر حسب سلیقه و معلومات و تجربه مکتبدار صورت می‌پذیرفت و استعداد و توان متعلمان کمتر مورد توجه واقع می‌گرفت. به حافظه در یادگیری اهمیت زیادی داده می‌شد و به فهم و درک کودکان از مطالب چندان عنایتی نبود. بزرگ‌ترین یا با سابقه‌ترین شاگردان مکتبدار به عنوان خلیفه در غیاب وی مسئولیت تدریس و مدیریت مکتبخانه را به عهده می‌گرفت و در بسیاری از موارد علاوه بر درس دادن در تنبیه شاگردان، مکتبدار را نیز کمک می‌کرد. مدت تحصیل شاگردان از طرفی بستگی به استعدادشان و از طرف دیگر تابع وسع مالی پدرانشان بود. شاگردان در مکتبخانه معمولاً روی زمین می‌نشستند و رحل یا لوحی در پیش روی داشتند و مشق‌های خود را بر روی لوح می‌نوشتند. روش تعلیم در مکتبخانه به صورت انفرادی انجام می‌پذیرفت. هر کودکی درس را با صدای بلند قرائت می‌کرد؛ زیرا تصور می‌شد با این عمل کودک ضمن فراگرفتن تلفظ صحیح کلمات، حواس خود را متوجه

۲۱. همان، ص ۱۰.

۲۲. دکتر وکیلان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۶۹.

۲۳. همان، ص ۷۰.

۲۴. همان، ص ۷۰-۷۱.

۲۵. حسین سلطان زاده، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، ص ۷۰.

۲۶. ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، اخبار الطوال، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ص ۴۴۲.

را. ۲۷ رصدخانه ای که مأمون ضمیمه بیت الحکمه کرد، مرکزی شد برای مطالعه در نجوم و ریاضیات. در این رصدخانه مسلمین محاسبات مهم نجومی انجام دادند؛ چنان که طول یک درجه از نصف النهار را با دقتی نزدیک به محاسبات امروز اندازه گرفتند. در دوره مأمون که مسلمین کتاب بطلمیوس و اقلیدس و سندهند را ترجمه و تحریر می کردند، در تمام اروپا تنها ریاضیدان مشهوری که وجود داشت عبارت بود از الکوین (Alcuin) مریی و عالم دربار شارلمانی که نوشته های او در ریاضیات از بعضی اصول مقدماتی تجاوز نمی کرد. در تمام قرون وسطی، پیشرفت ریاضیات در واقع مدیون نبوغ ریاضی مسلمین بود. ۲۸

مقدار ترجمه ها از زبان های یونانی و سریانی و نیز پهلوی و سانسکریت، در طول قرن های سوم و چهارم هجری توسط کسانی همچون حنین بن اسحاق و ثابت بن قره و ابن مقفع، چندان زیاد بوده است که حتی امروزه هم شماره ترجمه های آثار ارسطو و شارحان وی که در زبان عربی موجود است، از شماره ترجمه های آثار ارسطویی به هر زبان دیگری بیشتر است. به علاوه قطعاتی از نوشته های ارسطو و فیلسوفان اسکندرانی و نو فیثاغورسیان و نوافلاطونیان و مجموعه هرمسی و آثار دانشمندان همچون جالینوس تنها به صورت ترجمه هایی عربی از آنها در دست است که در فرهنگستان مأمون صورت گرفته و فعالیت های همین سازمان علمی، مشوق مترجمان در فراهم آوردن این ترجمه ها بوده است. ۲۹

دارالعلم

پیش از تأسیس مدارس در جهان اسلام، دارالعلم هایی نیز در نقاط گوناگون بلاد اسلام به وسیله علما و امرا به وجود آمد که در زمینه تعلیم و تربیت نقش مهمی را ایفا کردند. مورخان اسلامی، فضل تقدم در تأسیس دارالعلم و دارالکتب را از آن شیعیان می دانند. از نمونه های بارز آن دارالعلم شیعی اسماعیلی متعلق به الحاکم خلیفه فاطمی در قاهره است. دیگر دارالعلم ها و کتابخانه ها عبارت بود از دارالعلم شاپور بن اردشیر وزیر شیعی مذهب بهاءالدوله دیلمی و دارالعلم شریف رضی در بغداد و دارالکتب عضدالدوله دیلمی در شیراز، دارالکتب ابن سوار کاتب عضدالدوله در دو شهر رامهرمز و بصره و کتابخانه عضدی در بصره. مقدسی جغرافیدان معروف اسلامی که خود از دارالکتب عضدالدوله در شیراز دیدن کرده است، نوشته که در شرق و غرب جهان اسلام نظیری بر این کتابخانه نیافتیم. کتاب ها بر حسب موضوع در اطاق های جداگانه قرار گرفته بود و هر

غرفه کتابدار و متصدی مخصوص داشت. مقدسی یادآور شده که کتابی تا آن زمان تألیف نشده بود، مگر آنکه نسخه ای از آن در کتابخانه عضدی وجود داشت.

دارالعلم تنها کتابخانه ای عمومی بوده که انجمنی علمی هم بدان وابسته بود و گروهی از دانشمندان برای گفت و گویا ایراد سخنرانی های علمی در آن جا حضور می یافتند و غالباً از سوی دانشجویان و کسانی دیگر که برای مطالعه و کسب دانش و گوش فرادادن به پرسش های علمی برای حل مشکلات و معضلات خود در این مراکز اجتماع می کردند، مورد مشورت قرار می گرفتند. از این رو دارالعلم این نام جدید را در کنار عنوان قدیم که همان دارالحکمه یا بیت الحکمه بود، برای خود محفوظ نگاه داشت و این همان نامی بود که از عصر اول عباسی بر کتابخانه ها اطلاق گردید. پیدایش دارالعلم ها به منزله گامی وسیع و گسترده به سوی تکوین دانشگاه اسلامی و یکی از مراحل تحول و پیشرفت آن بوده است. مدارس سنی قرن پنجم هجری هم شیوه تأسیس کتابخانه های وابسته به مدرسه را از همین مراکز (دارالعلم) اقتباس کرد. ۳۰

در این دارالعلم ها به طلاب در صورت نیاز کمک هزینه ای هم داده می شد و یا در برخی از آنها برای طلابی که از راه دور می آمدند، مسکنی برای اقامت در نظر گرفته می شد. گفته اند ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان فقیه شافعی (متوفی ۳۲۳ هـ. ق) در موصول دارالعلمی احداث کرد که در آن کمک هزینه ای برای طلاب نیازمند در نظر گرفته شده بود.

عمر این قبیل مراکز نوعاً کوتاه و دوام و استمرار فعالیت های آنها به دوام و استمرار جنبش های شیعی (اسماعیلی) موهون و متکی بوده است. از آن هنگام که استیلای حکومت فاطمیان بر جهان اسلام و حتی موجودیت آنان در محدوده مصر به ضعف و سستی گرایید و در سرزمین های شرقی اسلام نیز بویهیان شیعی مذهب از ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان خویش،

۲۷. دکتر عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۴۷-۴۸.

۲۸. همان، ص ۶۵-۶۶.

۲۹. دکتر سید حسین نصر، هلم و تمدن در اسلام، ترجمه دکتر احمد آرام، ص ۵۷.

۳۰. غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص ۹۹-۱۰۰.

عموم منابع تاریخی، شهر نیشابور را که در قرن چهارم بزرگ‌ترین شهر خراسان بود، مهد نخستین مدارس دانسته‌اند. شهرهای دیگری مثل بلخ، بیهق، سبزوار، بخارا و هرات نیز از مراکز علمی این دوره محسوب می‌شوند. آورده‌اند که ربع جمعیت شهر بلخ را روحانیون و فقها و اعضای خانواده آنها و طلاب تشکیل می‌دادند. وجود مهم‌ترین مراکز علمی در این دوره در ایران به‌ویژه بخش شرقی کشور، نشانه توجه مردم این مرز و بوم به علوم و احترام آنان به علما و پیشینه غنی فرهنگ و تمدن آنها است.^{۳۶}

شخص معروف دیگری که در زمینه راه اندازی مدارس نقش چشمگیری ایفا کرد و تحولات زیادی را در ترویج معارف فراهم کرد، خواجه نظام الملک طوسی می‌باشد وی مدارس نظامیه را تأسیس کرد که یکی از اهداف آن تربیت کارگزاران اداری بود. خواجه در سال ۴۵۷ هجری به صدارت منصوب شد و حدود سی سال با توانایی و اقتدار زیاد در عصر حاکمیت آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی وزارت آنها را به عهده داشت.

تأسیس مدارس نظامیه با دوران سلطنت آلب ارسلان سلجوقی (۴۵۵-۴۶۵ ق) دومین پادشاه بزرگ این سلسله مقارن بود. ظهور سلجوقیان که نخستین بار از جانب شرق ایران به عرصه تاریخ اسلام قدم نهادند، آغاز دورانی جدید و پرآوازه در قسمت وسیعی از دنیای اسلام شد. توفیق آنان در تشکیل این امپراتوری مقتدر تنها از آن جهت بود که از وجود مردان لایق ایرانی استفاده نمودند، و از تجارب ذی‌قیمت آنان در شناسایی احوال این سرزمین و مردمش و آیین ملک داری آنان مدد گرفتند.^{۳۷}

شخصیت‌های مشهور در این نظامیه مشغول به تدریس شدند؛ از جمله عبدالملک بن محمد ملقب به امام الحرمین جوینی بود. «... در هر علمی از علوم متداول او سرآمد همگان و نمونه بارز جهان اسلام بوده است. در زمان وزارت ابونصر کندری در خراسان توهین به مذهب می‌کردند. امام از خراسان برفت در مکه اقامت گزید و در حرمین شریفین تدریس می‌کرد. هنگامی که طغرل بیگ مُرد و کندری به قتل رسید، امام به

یعنی سلجوقیان ناتوان گردیدند، دارالعلم‌های شیعی نیز قدرت و نفوذ خود را به سبب فرار و اختفای هوادارانش در میدان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه به کلی از دست داد. چنان شد که قرن پنجم هجری، شاهد شکست مذاهب شیعه و پیروزی اهل سنت و از بین رفتن دارالعلم‌های شیعی بود.^{۳۸}

پیدایش مدارس

مدرسه تا سه قرن اولیه هجری وجود نداشت و علوم دینی و ادبیات در درجات متوسط و عالی صرفاً در مساجد تعلیم می‌شدند. نخستین مدرسه مستقل را ناصر کبیر در اواخر قرن سوم هجری در آمل، جنب آرامگاه خویش برپا کرد و سال‌ها در آن به تدریس پرداخت. «ناصر کبیر به طاعت مشغول بود و در حوالی آن موضع که حالا مشهد مبارک اوست (آمل) مدرسه بنیاد کرد و آن مدرسه در این چند مدت آبادان بود و آنجا ساکن شد و با مردم به شرع زندگانی می‌کرد و از اطراف جهان مردم برای استفتا علوم رو به حضرت او نهادند و از او علم و فقه و حدیث می‌آموختند.»^{۳۹}

در ارتباط با ناصر کبیر و اقداماتش در تاریخ بخارا چنین آمده است: «... ناصر دو سال پیش فرمانروایی نکرد و ترک ملک و پادشاهی گفت و به ترویج دین و بسط علم همت گماشت و طالبان علم نزد او جمع شدند، و اقتباس فنون علوم از فقه و حدیث و شعر و ادب از او می‌نمودند...»^{۴۰}

یکی از مراکز که همواره توجه به علم و دانش در آن وجود داشته، آمل بوده است. مقدسی در ارتباط با این شهر چنین می‌نویسد: «... هیچ‌گاه از امام و نظار و ادیبان و فقیهان خالی نبوده است.»^{۴۱}

تعدد مکتب‌های فلسفی و مذهبی و ضرورت تعلیمات کلاسیک و بلندمدت، منجر به گسترش تعلیم و تربیت و ازدیاد طلاب گردید و ضرورت ایجاد فضاهای خاصی برای این منظور که هم بحث و جدل طلاب مزاحم عابدین نشود و هم آمد و شد عوام باعث ایجاد اختلال در تدریس نگردد، سبب احداث مدرسه شد. رقابت و مبارزه خلفا و امراء در تبلیغات مذهبی، سیاسی، نه تنها به این روند شدت بخشید، بلکه به عنوان عامل اصلی و اساسی در پیدایش تعداد بسیاری از مدارس مؤثر بود.^{۴۲}

۳۱. همان، ص ۱۰۰.

۳۲. سید ظهیرالدین سید بن نصیرالدین المرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۵۸.

۳۳. نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۳۱۷.

۳۴. مقدسی، حسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۵۲۷.

۳۵. سلطان زاده، تاریخ مدارس ایران، ص ۹۴.

۳۶. همان، ص ۹۴.

۳۷. دکتر نوراله کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۱۱.



خراسان برگشت. خواجه نظام الملک در نیشابور دانشگاهی ایجاد نمود که ویژه به امام (امام الحرمین) باشد. در دانشگاه نیشابور شاگردان بسیار نامی را پروراند و تالیفاتش منتشر شد. در حلقه درس امام سیصد فقیه عالیقدر می نشستند. بسیاری از آن شاگردان چون ابوحامد غزالی به درجه استادی و افتا رسیدند ... ۳۸.

ابوحامد غزالی با شوق و ارادت در طی سال هایی که در نیشابور بود، از محضر امام الحرمین بهره برد. هم در درس فقه و هم در مجالس مناظره و درس کلام شرکت می جست. با مایه ای که از طوس و جرجان همراه آورده بود و با شوق و علاقه ای که به درس فقه داشت، به اندک مدت در این کار بین شاگردان امام سرآمد گشت. چنان که در کلام و جدل نیز مهارت بی مانند یافت و درس استاد را گه گاه به عنوان مُعید برای شاگردان دیگر بازگو می کرد و حتی شاگردان امام الحرمین بعضی کتاب ها را نزد وی می خواندند. به علاوه با یاران دیگر با کسانی که دعوی برتری داشتند، مناظره می کرد و غالباً همه جا بر آنها غلبه می یافت. امام الحرمین چنان که رسم بود، شاگردان را در مناظره آزادی می داد و این مناظره قدرت و استعداد آنها را پرورش می بخشید. ۳۹

نظامیه بغداد از مشهورترین نظامیه ها بود و همواره معروف ترین علمای عصر را برای تدریس در آن برمی گزیدند. بنای مدرسه مذکور در سال ۴۵۷ آغاز و در سال ۴۵۹ ق تمام گردید. نظام الملک توجهی تمام به نظامیه بغداد داشت که بی تأثیر از مشروع دانستن خلافت عباسی و رقابت با جامع ازهر قاهره و خلقای فاطمی مصر و داعیان اسماعیلی نبود و با وجود آنکه نظامیه نیشابور در این عهد هنوز اعتبار علمی خود را همچون سابق و با وجود اهمیت سیاسی-اداری ری و اصفهان در دوره سلجوقی حفظ نموده بود و نیز نظامیه بصره که از نظامیه بغداد نیکوتر و بزرگ تر بوده است، اما هیچ گاه اعتبار هیچ یک از نظامیه ها به پایه و منزلت آن نرسید. در این باب گفته اند که حتی برخی از علمای غیر شافعی برای احراز مقام تدریس در آنجا تغییر مذهب می دادند؛ زیرا نظامیه ها تنها اختصاص به شافعیان داشت.

احمد بن علی بن برهان (متوفی ۵۱۸ ق) یکی از این علما نخست حنبلی مذهب بود که برای کسب امتیاز تدریس نظامیه، مذهب شافعی را پذیرفت. به غیر از نیشابور و بغداد شهرهای اصفهان، بصره، بلخ، هرات، مرو، آمل، طبرستان و موصل دارای نظامیه بودند. ۴۰

مدارس نظامیه تا دیرگاهی از مراکز مهم علم و مذهبی دنیای

اسلام بود. استادان آن غالباً اعلم و افقه دانشمندان عصر بودند. دانش پژوهان از اقطار بلاد اسلامی بدان جا روی می آوردند و تحصیل در نظامیه را بزرگ ترین افتخار علمی و اجتماعی خود می دانستند. فارغ التحصیلان نظامیه ها همان گونه که منظور مؤسس آن بود، به عالی ترین مراتب علمی و سیاسی و مذهبی آن زمان نائل می شدند. در این دانشگاه های کهن اسلامی به منظور رفاه استادان و دانشجویان، مسکن و معاش در نظر گرفته شده بود. کتابخانه های بزرگ و مجهز این مدارس انواع اقسام کتب را در اختیار طلاب علم قرار می داد، و شخصیت های برجسته مسئول کتابخانه بودند. «ابوزکریای تبریزی یکی از مؤلفان ممتاز بود. موقعی که دانشگاه نظامیه در شهر بغداد ایجاد شد، ابوزکریا سرپرست کتابخانه آنجا شد. ۴۱

مجالس وعظ و خطابه نظامیه ها برای استفاده عموم دایر بود. اعضای گروه آموزشی این مدارس، درجات معین و مخصوص به خود داشتند و با عناوین مدرس، نائب، معید، فقیه، خازن المکتبه (کتابدار) در این مناصب انجام وظیفه می نمودند و کلیه این برنامه های ابداعی و ابتکاری، سرمشقی شد برای آن دسته از مؤسسات عالیه اسلامی و حتی کهن ترین دانشگاه های اروپایی که پس از نظامیه ها به وجود آمد. ۴۲

تأسیس مدارس نظامیه، آغاز نهضتی چشمگیر در گسترش دامنه مدارس اسلامی گردید، و بسیاری از بزرگان علمی و سیاسی را بر آن داشت که با تأسی از روش خواجه نظام الملک به تأسیس مراکزی از این نوع مبادرت ورزند؛ چنان که فاصله نیمه دوم قرن پنجم تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم در تاریخ علمی اسلام، به وفور مدارس، ممتاز و مشهور گردیده است.

۳۸. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۳۹. دکتر زرین کوب، فرار از مدرسه «در باره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی»، ص ۲۳.

۴۰. سلطان زاده، تاریخ مدارس ایران، ص ۱۱۹.

۴۱. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۱۱۲.

۴۲. دکتر کسائی، مدارس نظامیه، ص ۱۴.

۲. استفاده از اساتید برجسته و زیردست در این مدارس و تجلیل از آنها.
۳. توجه و عنایت دانش پژوهان برای تحصیل در این مدارس از سراسر بلاد اسلامی.
۴. توجه به رفاه اساتید و دانشجویان و تلاش برای تأمین معاش آنان.
۵. پیدایش ضوابط آموزش برای امر تدریس و به وجود آمدن درجات معین و مخصوص برای اعضای گروه آموزشی این مدارس.
۶. پدیداری نهضتی چشمگیر در توسعه و دامنه مدارس اسلامی.

ب. نتایج منفی

۱. توجه بیش از حد به مذهب شافعی و اختصاص نظامیه ها برای این فرقه و ممانعت از ورود دیگر فرقه ها به آن.
 ۲. اختصاص قسمت عمده درآمد کشور به مدارس نظامیه، آن هم فقط برای پیروان شافعی و عدم استفاده سایر گروه ها از امکانات موجود در آن.
 ۳. تلاش عده ای از اساتید دنیاپرست برای استفاده از مزایای مادی و دست یافتن آنان به مقامات دنیوی که حاضر بودند مذهب خود را تبدیل به شافعی نمایند.
 ۴. تشدید مجادلات مذهبی، تفوق گروه شافعی بر سایر فرق و گروه ها که این مسئله در تفرقه جوامع اسلامی نقش داشت.
 ۵. مبارزه سرسخت با برخی از دانش ها به ویژه فلسفه و علوم عقلی و بی توجهی به برخی از رشته های علمی.
 ۶. توجه عمده خواجه نظام الملک به مذهب شافعی و اختصاص نظامیه به آن تعصب گروه های مذهبی دیگر را برانگیخت و باعث شد آنان در طرفداری از مذهب خود تلاش بیشتری نمایند.
- اکنون که جایگاه تعلیم و تربیت و اهمیت آن در اسلام و در نزد مسلمین بیان گردید، در پایان مناسب است برخی از آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم و هم چنین برخی از وظایف معلم نسبت به شاگرد را فهرست وار عنوان می کنیم.
- الف. وظایف شاگرد نسبت به معلم
۱. ارج نهادن به استاد و تجلیل از مقام علم و دانش،
 ۲. تواضع و فروتنی دانشجو در برابر استاد،

اشتغال به تدریس در مدارس نظامیه تحت شرایط و ضوابط خاص و منوط و موکول به موافقت و اجازه واقف مدرسه و حکام و امیران وقت بود و با برقراری حقوق و کمک هزینه برای استاد و دانشجو، زندگی اقتصادی و معیشتی آنان به تدریج سر و سامان گرفت. ۴۳

در امر تدریس نظامیه بغداد، از اساتید صاحب نام و مشهوری چون «ابو اسحاق شیرازی» (متوفی ۴۹۶) و امام محمد غزالی (متوفی ۵۰۵) و مانند آنها بهره گرفته می شد و عنوان «مدرس نظامیه از عناوین بسیار مهم علمی محسوب می گردید. ۴۴ غزالی در سال ۴۸۴ق از طرف خواجه نظام الملک به استادی نظامیه بغداد برگزیده شد و از طوس برای انجام این مهم رهسپار بغداد شد. وی به سبب فصاحت گفتار و رسایی نوشتار و نکته سنجی های خاص خویش، شهرت فراوان به دست آورد و در حالی که در سال ۴۸۸ق در اوج شهرت و شوکت بود و به قول خودش در المنقذ در کلاس درسش حدود سیصد دانشجو شرکت داشتند، تدریس را رها کرد و همچون ناصر خسرو سفر قبله در پیش گرفت. ۴۵

همان طور که در پیش گفته شد، مدارس نظامیه صرفاً مذهبی بود. طبق نص و قفنامه واقف و مؤسس آن تحصیل و تدریس در نظامیه ها تنها به شافعی مذهب اختصاص داشت. مواد و رشته های درس عبارت بودند از: فقه، حدیث، کلام، منطق، ادب، قرآن و تفسیر. درس طب و ریاضی چندان مورد توجه نبود و با علوم فلسفی و مسائل ماوراء الطبیعه و نجوم به شدت مبارزه می شد. با وجود این مراکز در جهان اسلام، تعلیم و تعلم تنها در مسجد و مکتب یا مدرسه صورت نمی پذیرفت، بلکه مراکزی دیگری چون خانه، بیمارستان، رصدخانه، خانقاه و مانند اینها نیز از پایگاه های مهم آموزشی برای مشتاقان و طالبان علم و دانش بود.

نتایج مثبت و منفی نظامیه ها

الف. نتایج مثبت

۱. پیشرفت و توسعه علم و دانش به ویژه علوم دینی.

۴۳. دکتر وکیلان، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۷۳.

۴۴. همان، ص ۷۳.

۴۵. ابوحامد غزالی، شک و شناخت (المنقذ من الضلال) ترجمه صادق آینه وند، ص ۶.

۳. آراستن و پیراستن برون و درون به هنگام ورود بر استاد،
۴. ارج نهادن به توضیحات استاد،
۵. شاگرد نباید مانع استراحت استاد گردد،
۶. شاگرد باید مراقب حرکات و حالات خود در محضر استاد باشد،
۷. نادیده گرفتن سبق لسان و لغزش زبان استاد،
۸. تمرکز حواس و استماع دقیق به سخنان استاد،
۹. عدم تکرار سوال های فرساینده و تلف کننده فرصت،
۱۰. نباید از سوال و پرسش به خاطر شرم و حیا، دریغ ورزید. ۴۶

ب. وظایف معلم نسبت به شاگرد

۱. معلم بایستی شاگردان را گام به گام به آداب دینی آیین مقدس اسلام آشنا و ادا سازد،
۲. ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش در شاگردان،
۳. مواسات و دلسوزی معلم نسبت به شاگردان،
۴. فروتنی و نرمش معلم نسبت به شاگردان،
۵. تفقد از احوال دانشجویان،
۶. اطلاع از نام و مشخصات شاگرد،
۷. القای مطالب علمی باید درخور استعداد شاگردان باشد،
۸. کوشش در تفهیم مطالب و رعایت استعداد شاگردان،
۹. تشویق شاگردان به اشتغالات علمی و تحریر بر تکرار درس،
۱۰. رعایت مساوات در توجه و محبت به شاگردان. ۴۷

نتیجه گیری

با توجه به مطالب عنوان شده پیرامون نقش مسلمانان در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنجم هجری به نتایج ذیل می رسیم:

۱. دین مبین اسلام منزلت و جایگاه رفیعی برای علم و دانش قائل شده و تأکید زیادی بر مسئله تعلیم و تربیت که یکی از اهداف عمده انبیای الهی بوده، به عمل آورده است.
۲. پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در تحقق بخشیدن به تعلیم و تربیت و زدودن جهل و نادانی و شرک و کفر از انسان ها تلاش های بسیاری انجام دادند.
۳. عنایت ویژه دین مبین اسلام به علم و عالم و تعلیم و تربیت و قلم و نوشتن باعث علاقه مندی مسلمین نسبت به ایجاد مکان های آموزشی و مدارس و توسعه آن می گردید.
۴. مهم ترین روش پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) روش عملی بود که این عزیزان و بزرگواران خود به آنچه می گفتند، عمل می کردند.

۵. تلاش های امامان (ع) بعد از وجود رسول خدا (ص) مخصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت ادامه یافت و آنان با تربیت شاگردان ممتاز و تعلیم و تبیین اسلام مسئولیت خطیرشان را به نحو احسن انجام دادند.

۶. مساجد در طول تاریخ از ابتدای صدر اسلام به بعد به عنوان یکی از مراکز عمده تعلیم و تربیت محسوب می شدند.
۷. توسعه مساجد در عصر خلفای راشدین و به وجود آمدن مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت بالطبع نقش عمده ای در تعلیم و تربیت و توسعه علم و دانش به ویژه علوم دینی در برداشت.
۸. تأسیس مکتبخانه ها گامی در پیشبرد تعلیم و تربیت بود و زمینه را برای خواندن و نوشتن و توجه به احکام دین و قرآن و برخی موارد دیگر به وسیله معلمین مربوطه آن فراهم کرد.
۹. با تأسیس بیت الحکمه که مرکز علمی و فرهنگی بود، نهضت ترجمه آغاز گردید و مسلمانان به ترجمه کتب علمی که مربوط به سایر ملل بود همت ورزیدند که در توسعه و پیشرفت دانش نقش عمده ای داشت.
۱۰. مسلمانان در انتقال علوم به اروپا نقش ارزنده ای را ایفا کردند.

۱۱. تعداد مکتب های فلسفی و مذهبی و ضرورت تعلیمات کلاسیک و هم چنین افزایش طلاب و دانشجویان ضرورت نهضت احداث مدارس را فراهم کرد که این امر از اواخر قرن سوم هجری صورت گرفت.
۱۲. احداث نظامیه ها باعث پدید آمدن یک رقابت شدید برای گسترش و توسعه مدارس گردید؛ به طوری که از نیمه دوم قرن پنجم هجری تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم مدارس زیادی دایر گردید.

۴۶. شهید ثانی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۳۲۳-۳۶۲.

۴۷. همان، ص ۲۲۳-۲۴۷.